



روز جمعه بود.
پدر دفتر یادداشتش را آرام نگاه می کرد.
اسم تمام خویشاوندان در آن بود؛ خویشاوندان پدر و مادرم.
پدر گفت: «این هفته نوبت دیدار با خاله نرگس است.»
من و نجمه و هدی کوچولو خیلی خوشحال شدیم. خیلی خاله نرگس را دوست داریم.
خاله نرگس، خاله‌ی پدرم است. او پیرزن بسیار مهربانی است و تنها زندگی می کند.
زنگ خانه اش را زدیم. چند لحظه منتظر ماندیم؛ صدایی نیامد.
دوباره زنگ زدیم و صبر کردیم اما خبری نشد.
حدس زدیم زنگ در خراب است. در زدیم؛ باز خبری نشد.
پدر کمی محکم تر به در کوبید!
_ «آدم!» ...
صدای خاله نرگس از دور به گوش رسید. خدا را شکر، صدای در را شنید.
وقتی در را باز کرد، انگار دنیا را به او داده بودند.
صورتش مثل گل شکفت و با خوشحالی گفت: «خوش آمدید! صفا آوردید!»
بعد هم یکی یکی ما را نوازش کرد و بوسید و با همه احوالپرسی کرد.
داخل شدیم. خانه اش خیلی تمیز و مرتب بود.
دور هم نشستیم و تعریفها شروع شد.
خاله نرگس گفت: «دلم خیلی برایتان تنگ شده بود. ببخشید پشت در ماندید.
مدتی است شنوایی من کم شده و زنگ در هم خراب است. دوست داشتم شما
را ببینم اما هوا سرد است و من هم نمی توانم زیاد از خانه بیرون بیایم؛ خیلی
خوشحال شدم که آمدید!»
آن روز خیلی به ما خوش گذشت و چیزهای زیادی یاد گرفتیم!

خاله نرگس خاطره‌های قشنگی از فرزند شهیدش تعریف کرد و از زندگی مردم در زمان قدیم و از دوران کودکی‌اش برایمان گفت.
پدر زنگ خانه‌ی خاله نرگس را تعمیر کرد. مادرم هم با خاله قرار گذاشت که او را پیش یک پزشک ببرد.
وقتی به خانه برگشتیم، به مادرم گفتم: «چقدر خوب شد که به خانه‌ی خاله نرگس رفتیم. هم پای صحبت یک انسان با تجربه و مهربان نشستیم و هم به او کمک کردیم.»



گفت‌وگو کنید

با توجه به داستان «خاله نرگس»، درباره‌ی موضوع‌های زیر با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

بهترین روز برای دیدار با خویشاوندان **جمعه**

اسامی آشنایان را روی برگه بنویسیم

یک پیشنهاد برای اینکه بتوانیم به دیدار همه‌ی آشنایان برویم.

و به نوبت به دیدن همه برویم

کارهای پسندیده‌ای که در دیدار با خویشاوندان می‌توانیم انجام دهیم.

احوال‌پرسی - عیادت - کمک کردن - استفاده از تجربه

کامل کنید

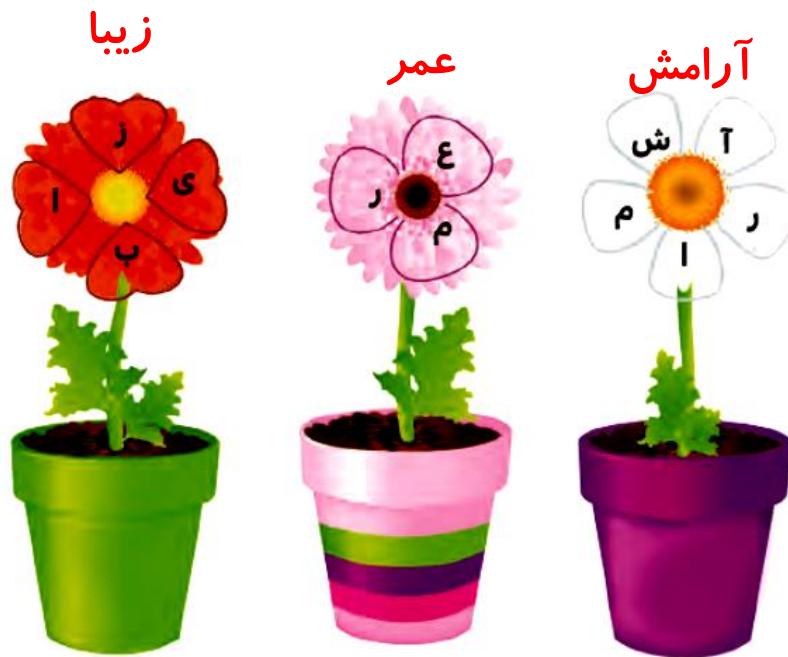
پیشوایان دین ما به دیدار خویشاوندان (صله‌ی رحم) بسیار سفارش کرده‌اند. در اینجا برخی از سخنان آنها را با هم می‌خوانیم. کلمات جا افتاده را از گلدان‌ها پیدا کنید و در جای خالی بنویسید.

* خداوند کسانی را که به دیدن خویشاوندان خود می‌روند و از حال آنها جويا می‌شوند، دوست دارد و اخلاق آنها را **زیبا** می‌کند.

* وقتی به دیدار خویشاوندان می‌رویم، دل‌های ما به هم نزدیک و قهرها به **دوستی** تبدیل می‌شود.

* صله‌ی رحم، انسان را شاداب می‌کند و به او **آرامش** می‌دهد.

* رفت و آمد با خویشاوندان موجب زیاد شدن **عمر** و **سلامتی** جسم می‌شود.



به نظر شما صله‌ی رحم چه فایده‌های دیگری دارد؟

۱. سبب طولانی شدن عمر می‌شود.
۲. باعث فراوان شدن رزق و روزی می‌شود.
۳. سبب حسن خلق می‌شود.
۴. طبق فرموده امام باقر (ع) صله رحم باعث دور شدن بلا می‌شود.
۵. طبق فرموده‌ی امام صادق (ع) صله رحم سبب آباد شدن شهرها می‌شود.

ایستگاه فکر

فکر کن بزرگ فامیل هستی و قرار است چند قانون برای دیدار خویشاوندان وضع کنی تا همه بیشتر به هم سر بزنند؛ چه قانون‌هایی برای این کار می‌نویسی؟

- ۱- هر هفته به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگ برویم.
- ۲- هر دو روز یکبار به بزرگ‌ترها تلفن می‌کنیم.
- ۳- همه با هم به دیدن آن‌ها نمی‌رویم یک روز ما یک روز خاله م و
- ۴- مهمانی‌های تجملاتی نمی‌گیریم تا همه راحت‌تر به هم سر بزنند.

به نظر شما وقتی به دیدار خویشاوندان می‌رویم، باید چه آداب‌هایی را رعایت کنیم؟

- ۱- سلام کردن به بزرگ‌ترها
- ۲- با آرامش رفتار کردن و مودب بودن
- ۳- همه با هم صحبت نمی‌کنیم و هر کسی به نوبت صحبت کند.
- ۴- کنار گذاشتن تلفن همراه.

دعا کنیم

خدایا! کمک کن تا به خویشاوندانم نیکی کنم و به آنها احترام بگذارم.

خدایا! یاری‌ام کن تا با آنها مهربان باشم و اذیتشان نکنم.

خدایا! بزرگ‌ترهایم همیشه سالم و سلامت باشند.
یاری‌ام کن تا همیشه در درس‌هایم موفق باشم و باعث سربلندی

خانواده‌ام شوم